

گستره شناسی مصونیت دیپلماتیک، مصونیت کنسولی^۱ و اماکن در شریعت

با تحقیقی که صورت گرفت واضح گردید: گستره مصونیت از جهت دامنه در یک متعلق و از جهت متعلق چون اصل آن، تابع مصلحت شرعی است. بنابراین آن چه به نام مصونیت کنسولی و مصونیت اماکن نامیده می شود، هم در صورت مصلحت قابل توجیه شرعی است.

اصل دعوت و هدایت، بنیادی حاکم بر تفسیر قواعد و پایه مصلحت

تامل در نصوص دینی، مقاصد عالی خداوند در بعث رسل، انزال کتب و تشریح مقررات و مراجعه به عقل هادی است که آن چه در نگاه شارع اصالت دارد هدایت انسان ها به حق و صراط مستقیم است و از مصادیق بارز وجود فتنه ضلالت انسان ها و نبود فتنه، هدایت ایشان است:

• وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ^۲

به اقتضای کریمه فوق، جهاد و مقاتله کفار هم فاقد اصالت و به عنوان یک طریق به نبود فتنه و حاکمیت دین مطرح است. آن چه اصالت دارد بند دوم و سوم آیه است.

بر این بنیان هر گاه اعطای مصونیت به دیگران یا اخذ آن از دیگران در راستای هدایت انسانها قرار گیرد، مشروعیت پیدا می کند. ود رمواردی نه تنها جایز بلکه امری متعین و واجب شرعی خواهد بود. طبیعی است نگاه فوق می تواند به مجموعه تراث ملفوظ و سیره های رفتاری پیامبر و معصومان علیهم السلام دلالتی خاص بدهد و به تعبیر دیگر باید از نگاه فوق به عنوان کارایی تفسیری و در خدمت نصوص ملفوظ و غیر ملفوظ دینی استفاده کرد. نظیر استفاده ای که در مجال حاضر از مبارکه انفال صورت گرفت.

۴. مصونیت قضات نسبت به تعرض معترضان به احکام قضایی، خطای قاضی و کارگزاران و اقتضای احسان، امانت و ...

نسبت به فقره اول عنوان فوق گفته شده: «در مواردی که افراد ذی نفوذ و قدرتمند یا مسئولان دولتی طرف دعوا واقع می شوند و قاضی طبق قانون و عدالت به محکومیت آن ها رای می دهد باید از مصونیت قانونی برخوردار باشد تا بدور از هر نوع تهدید و ارعایی بتواند وظیفه خود را انجام دهد.

۱. حمایت دولت از اتباع خودش در کشور دیگر و حل و فصل کارهای ایشان موجب تاسیس نهادی به نام «حقوق کنسولی» شده است. این نهاد اداری و غیر سیاسی است. ماموران کنسولی به منظور اجرای وظایف، از مصونیت هایی در کشور میزبان برخوردارند. مثل عدم تعرض به اماکن کنسولی، مکاتبات و غیره، مصونیت کیفری و مدنی، نظیر معافیت از پرداخت مالیات. با تشخیص تخلف غیرقابل اغماض متخلف عنصر نامطلوب تلقی می شود و کشور میزبان از کشور فرستنده می خواهد تا متخلف را فراخواند یا خود اقدام به اخراج او می نماید. کنوانسیون ۱۹۶۳ وین، عهده دار بیان مقرراتی در این باره است. ایران در اسفند ۱۳۵۳ به این کنوانسیون پیوسته است.

۲. انفال: ۳۹.

منظور از مصونیت قضایی در چنین مواردی آن است که تعقیب و محاکمه قاضی و اتهام وی به ارتکاب جنحه و جنایت ممکن نباشد تا افرادی با نفوذ و قدرتمند و همچنین دولت نتوانند با استفاده از این طریقه قاضی را تحت فشار قرار داده موجب عدول وی از موازین عدالت و قانون گردد. این مطلب - ما را وادار می کند که از یک نظریه نسبی و حد وسطی پیروی کنیم و اتهام، تعقیب و محاکمه قضات را طبق نظام نامه خاصی به دادگاه های ذیصلاح - مانند دادگاه انتظامی قضات - واگذار کنیم»^۳.

البته مصونیت قاضی نسبت به همه افراد است و اختصاص به افراد ذی نفوذ ندارد چنان که مقید به قضاوت بر طبق عدالت (واقعی) نیست؛ طبیعی است که منظور متن فوق هم چیزی غیر از آن چه بیان کردیم، نیست.

نسبت به مصونیت های مورد اشاره در ادامه عنوان، ادبیات زیادی در شریعت، فقه و قانون هست؛ کلیت آن مقبول، هر چند جزئیاتی از آن مورد اختلاف است.

به عنوان مثال در ضمان پزشکی و پیرا پزشکی در فرض وجود اذن از مریض یا ولی او و نبود تقصیر، اقوالی وجود دارد؛ از این قبیل:

- مطلقاً ضامن نیست؛
- ضمان هست مگر با اخذ براءت؛
- ضمان هست حتی با فرض براءت.^۴

همچنین در عدم ضمان محسن در فرض اخذ اجرت و در تفسیر احسان اختلافاتی است. احسان به صرف قصد، و به مفید بودن عمل بدون اعتبار قصد و اعتبار هر دو،^۵ تفسیر شده است.

عدم ضمان امین که از نوعی مصونیت مالی خبر میدهد، نیز از ادبیات خوبی برخوردار است. تتبع و تحقیق بیشتر را به متون مرتبط وامی گذاریم.

۳. عباسعلی عمید زنجانی، فقه سیاسی، ج ۱، ص ۱۴۸ و ۱۴۹.

۴. ر.ک: a-alidoost.ir، درس فقه پزشکی، تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۲۳.

۵. دیده شود، همین قلم فصلنامه فقه و حقوق، تابستان ۱۳۸۷، شماره ۱۷، مقاله «قرآن کریم و قاعده احسان».